به نام خدا

**عنوان**

بخش سوم از تکلیف اول درس پردازش تصویر رقمی

**استاد**

دکتر منصوری

**دانشجو**

محمدعلی مجتهدسلیمانی

4033904504

**تاریخ**

5/02/1404

سوال دوم

این سوال در 3 بخش انجام شده است. در بخش دوم از آنجایی که پیاده سازی داریم گزارش کار آن نیز تهیه شده است.

بخش الف

به طور کلی هیستوگرام یک روش گرافیکی برای خلاصه کردن نحوه توزیع داده های عددی است. که محدوده داده ها را به صورت یک سری bin تقسیم میکنیم، یعنی یک سری بازه بین مقادیر داده ها در نظر میگیریم و بر اساس آن این کار را انجام میدهیم. اما در این قسمت با 2 نوع خاص از هیستوگرام روبرو هستیم یک هیستوگرام عادی و دیگری هیستوگرام تجمعی:

هیستوگرام عادی

این هیستوگرام یک نمایش گرافیکی از توزیع مقادیر شدت/کمیت پیکسل ها در آن تصویر است. محور x در این هیستوگرام، محدوده مقادیر احتمالی کمیت هر پیکسل را نشان میدهد به عنوان مقال 0 تا 255 برای یک تصویر 8 بیتی در مقیاس grayscale. محور y نشان دهنده فرکانس یا تعداد پیکسل هایی در تصویر است که دارای یک مقدار مشخص در محور x هستند. به صورت کلی این هیستوگرام یک نمای کلی از ویژگی های تصویر ارائه میدهد، مانند:

روشنایی:

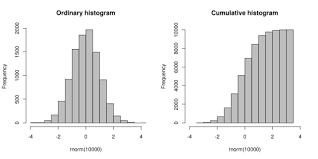
هیستوگرام که انحراف به چپ داشته باشد یعنی مقادیر پایین تر باشند، بیانگر تصویر تیره هستند. یک هیستوگرا که انحراف به سمت راست داشته باشد یک تصویر روشن را نشان میدهد.

کنتراست:

هیستوگرام یک طیف وسیعی از شدت کنتراست را نشان میدهد. یک هیستوگرام متمرکز در یک محدوده باریک نشان دهنده کنتراست کم است.

همچنین این هیستوگرام میتواند بیانگر مقادیر رایج در تصویر هستند.

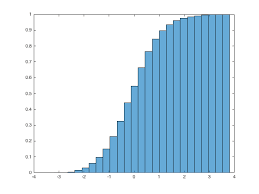
این یک توضیح مختصری از هیستوگرام عادی بود تا بهتر بتوانیم به تفاوت های این 2 برسیم.



هیستوگرام تجمعی:

یک هیستوگرام تجمعی تعداد تجمعی پیکسل ها را تا یک سطح شدت مشخص نشان می دهد، که از هیستوگرام عادی گرفته شده است. این هیستوگرام بیانگر موارد زیر است:

تعداد کل (یا نسبت) پیکسل‌هایی را که تیره‌تر یا مساوی با یک سطح شدت مشخص هستند. یک معیاری از توزیع شدت ارائه میدهد. از هیستوگرام تجمعی میتوان برای افزایش کنتراست با پخش مقادیر رایج شدت/کمیت استفاده کرد. این هیستوگرام همیشه یک تابع یکنواخت افزایشی است. اگر محور Y هیستوگرام را با تقسیم هر مقدار بر تعداد کل پیکسل های تصویر کنید، تابع توزیع تجمعی CDF را بدست میاوریم. از مهم ترین کاربرد ها میتوان به equalization استفاده کرد. CDF مستقیما برای ایجاد یک تابع نگاشت استفاده میشود که شدت پیکسل ها را برای دستیابی به هیستوگرام هموار تر توزیع میکند و در نتیجه کنتراست سراسری را افزایش میدهد، به ویژه در تصاویری که شدت ها در آن خوشه بندی شده است. همچنین در هموار ساز ها مانند CLAHE استفاده میشود تا کنتراست را افزایش بدهد بدون اینکه نویز تقویت شود و هموار سازی صورت بگیرد.



در ادامه در یک جدول تفاوت های مهم این 2 را قرار میدهیم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| CDF | Regular | feature |
| تعداد جمع شده همه شدت ها | تعداد یک شدت خاص | Y-AXIS |
| تعداد پیکسل ها را از سطح صفر تا سطح فعلی جمع میکند. | در هر سطح پیکسل را میشمرد | Calculation |
| همیشه یکنواخت افزایشی است. | هم نقطه ماکسیموم هم نقطه مینیموم دارد | shape |
| Histogram equalization | تحلیل توزیع | Primary use |

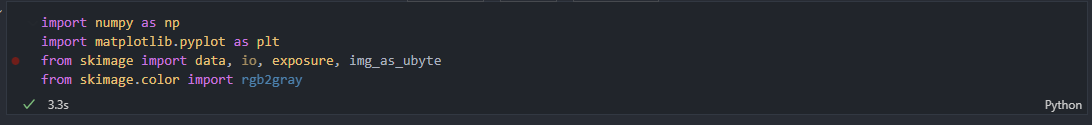
بخش ب

برای پیاده سازی بهتر است تا حدودی با این روش ها آشنا شویم.

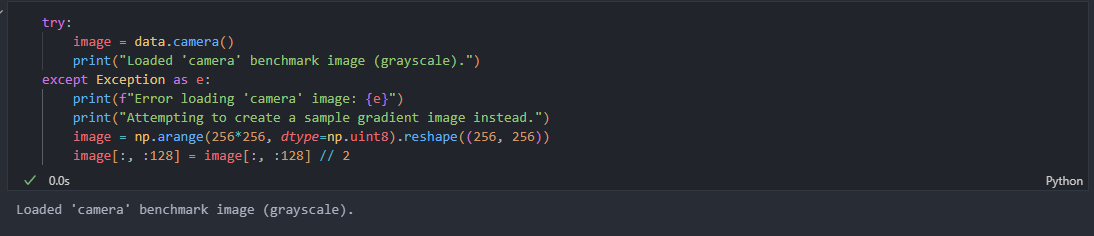
معادل سازی هیستوگرام (histogram equalization) به این صورت عمل میکند که توزیع مجدد مقادیر شدت پیکسل یک تصویر را برای هموار تر کردن هیستوگرام است. این به طور کلی کنتراست کلی تصویر را افزایش میدهد، به خصوص زمانی که محدوده شدت قابل استفاده تصویر فشرده شود. این با محاسبه تابع توزیع تجمعی (CDF) هیستوگرام تصویر و استفاده از آن به عنوان یک تابع نگاشت برای شدت پیکسل کار میکند. اگر چه که HE سراسری با کل تصویر به طور یکنواخت برخورد میکند. اگر یک تصویر دارای مناطقی با سطوح روشنایی بسیار متفاوت باشد ( مثلا یک آسمان روشن و یک پس زمینه تاریک)، HE سراسری ممکن نویز را در مناطق نسبتا یکنواخت افزایش دهد یا نتواند کنتراست را به اندازه کافی در مناطقی که بیشر به آن نیاز دارند، افزایش دهد. برای حل این مشکل ما سراغ AHE میرویم که معادل سازی تطبیقی است یعنی ما یک سری بلوک های محلی در نظر میگیریم و معادل سازی در آنها صورت میگیرد که باعث میشود که افزایش کنتراست با ویژگی های محلی در هر بلوک سازگار شود. مشکل AHE این است که میتواند به طور قابل توجهی نویز را در مناطق نسبتا همگن تقویت کند. این به این دلیل است که هیستوگرام در چنین مناطقی بسیار متمرکز است و یکسان سازی این محدوده باریک را به شدت گسترش میدهد و تغییرات کوچک نویز را بسیار برجسته میکند. برای حل این مشکل به سراغ CLAHE میرویم. که AHE را با یک محدودیت در کنتراست میسازد، قبل اینکه برای هر بلوک CDF را محاسبه بکند. مانند قبل هست همه مراحل فقط بعد از محاسبه برای هر بلوک، برای هر هیستوگرام، حداکثر ارتفاع مجاز ("محدودیت CLIP") تعیین می شود. هر bin هیستوگرام که از این حد تجاوز کند "قطع میشود"، به این معنی که تعداد اضافی حذف می شود. بعد از آن، تعداد کل حذف شده از همه bin های قطع شده به طور مساوی بین همه bin های موجود در هیستوگرام توزیع می شود. این تضمین می کند که تعداد کل (مساحت زیر هیستوگرام) ثابت باقی می ماند. با برش و توزیع مجدد، CLAHE از تسلط هر مقدار شدت منفرد (یا محدوده کوچک) بر تبدیل جلوگیری می‌کند و در نتیجه تقویت نویز را در مناطق تقریباً یکنواخت محدود می‌کند. بعد از آن تابع توزیع تجمعی (CDF) از هیستوگرام اصلاح شده (بریده شده و توزیع شده) برای هر بلوک محاسبه می شود. بعد از آن رای تعیین مقدار شدت جدید برای یک پیکسل، شدت آن با استفاده از CDF های بلوک های اطراف نگاشت می شود. از آنجایی که یک پیکسل ممکن است دقیقاً در مرکز یک بلوک نباشد، درون یابی دوخطی معمولاً بین توابع نگاشت مشتق شده از چهار مرکز بلوک استفاده می شود. این امر انتقال هموار بین بلوک ها را تضمین می کند. به طور خلاصه، CLAHE کنتراست محلی را مانند AHE افزایش می دهد، اما با محدود کردن شیب CDF (و در نتیجه ضریب افزایش) در هر منطقه محلی، از مشکل تقویت بیش از حد نویز جلوگیری می کند.

گزارش کار

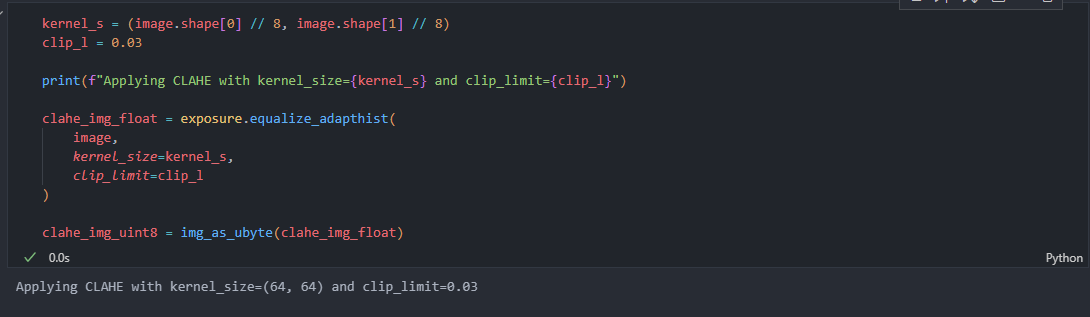
در این روش یک تصویر grayscale به عنوان ورودی گرفته ایم و از روش CLAHE سعی کردیم تصویر را روشن تر بکنیم.



ابتدا کتابخانه ها را اضافه میکنیم. از scikit image برای اضافه کردن تصویر grayscale و از matplotlib برای نمایش خروجی استفاده کردیم.



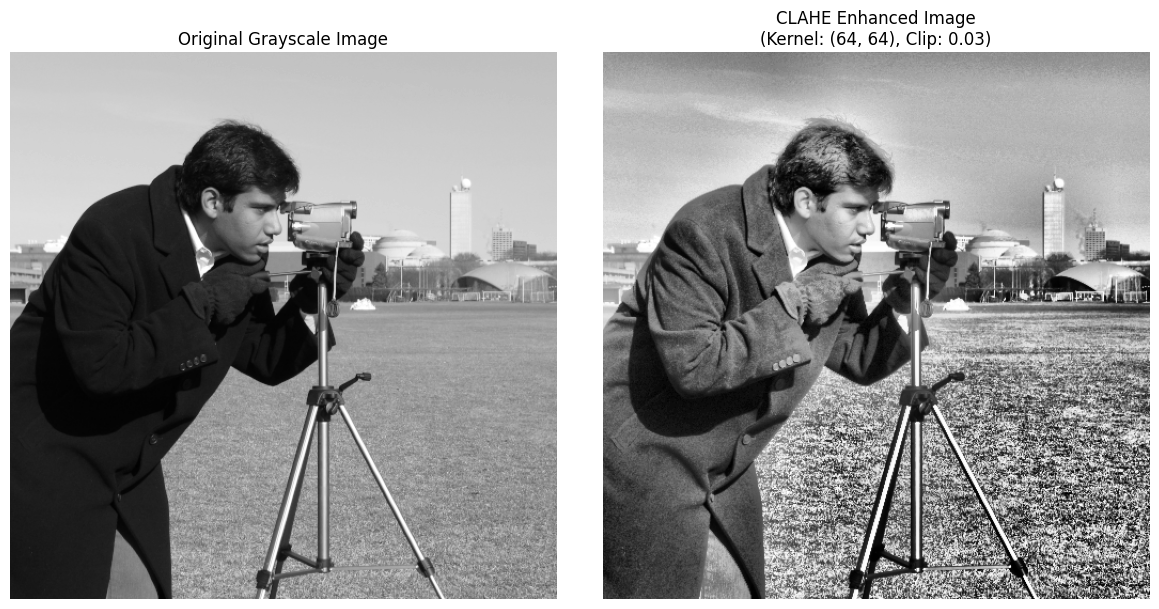
در این قسمت تصویر ورودی را بارگذاری کردیم و مطمئن شدیم تصویر به درستی دریافت شده است.

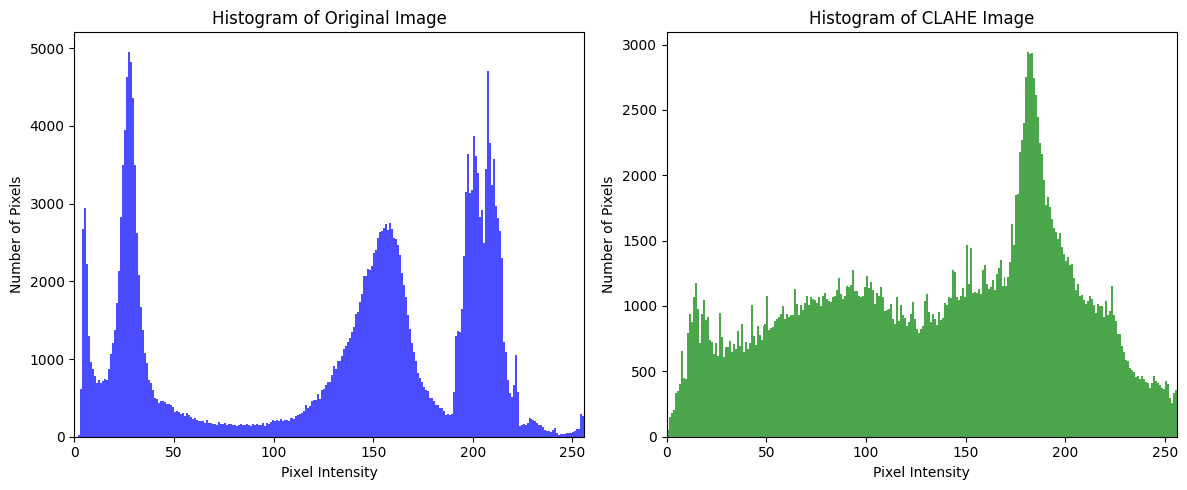


در این قسمت به دنبال این هستیم تا CLAHE را بر روی تصویر اعمال کنیم. پارامتر هایی که داریم شامل kernel\_size که اندازه بلوک ها را مشخص میکند. دقت شود که sizes به یکسان سازی سراسری نزدیک میشود، اندازه های کوچکتر باعث افزایش بیشتر میشود. جزئیات محلی اما اگر خیلی کوچک باشد میتواند نویز ایجاد کند. مقادیر بالاتر از 1 به معنای کنتراست بیشتر است که کمتر محدود تر هستند و به AHE نزدیک هستند. سپس CLAHE را اعمال میکنیم و بعد خروجی را به 8 بیت بدون علامت تبدیل میکنیم تا بتوانیم نمایش دهیم.

در خروجی هم خروجی تصویر هم هیستوگرام را نمایش میدهیم.

خروجی



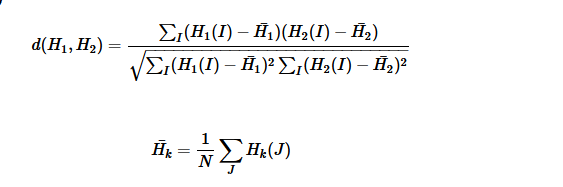


بخش ج

برای انجام این بخش به عنوان از خود open cv document استفاده کرده ایم که [لینک](https://docs.opencv.org/4.x/d8/dc8/tutorial_histogram_comparison.html) منبع مورد نظر قابل دسترسی است.

روش همبستگی:

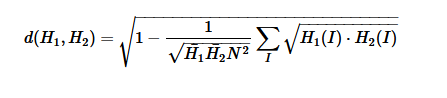
که فرمول آن به شرح زیر است:



این فرمول ضریب همبستگی پیرسون را بین دو هیستوگرام محاسبه می کند و مقادیر bin هر هیستوگرام را به عنوان دنباله ای از اعداد در نظر می گیرد. شمارنده: Σᵢ (H1(I) - H̄1) (H2(I) - H̄2) کوواریانس بین دو هیستوگرام را محاسبه می کند. این اندازه گیری می کند که مقادیر bin در H1 و H2 با هم نسبت به میانگین مربوطه خود متفاوت هستند. اگر هر دو در یک bin ها بالاتر از میانگین خود و در یک سطل ها کمتر از میانگین خود باشند، این مجموع زیاد و مثبت خواهد بود. اگر یکی بالاتر از میانگین خود باشد در حالی که دیگری کمتر از میانگین خود باشد، مجموع بزرگ و منفی خواهد بود. به طور کلی، ضریب همبستگی رابطه خطی بین مقادیر bin دو هیستوگرام را اندازه گیری می کند. این ارزیابی می کند که آیا اشکال هیستوگرام ها (به ویژه الگوی انحراف از ارتفاع متوسط ​​ bin آنها) مشابه است یا خیر. نتیجه d(H1, H2) از 1- تا 1+ متغیر است. +1: نشان دهنده یک همبستگی خطی مثبت کامل است. هیستوگرام ها از نظر شکل بسیار شبیه هستند (به طور بالقوه فقط با مقیاس بندی و تغییر نسبت به میانگین آنها متفاوت هستند). این نشان دهنده یک تطابق کامل است. -1: نشان دهنده یک همبستگی خطی منفی کامل است. جایی که یک هیستوگرام مقادیر بالایی دارد (نسبت به میانگین آن)، هیستوگرام دیگر مقادیر پایینی (نسبت به میانگین آن) دارد و بالعکس. این نشان دهنده یک تطابق معکوس کامل است (برای مقایسه هیستوگرام معمولی غیر معمول). 0: نشان دهنده عدم همبستگی خطی است. شکل هیستوگرام ها از نظر تغییرات آنها در اطراف میانگین آنها متفاوت است. این به معنی عدم تطابق است. در عمل برای مقایسه هیستوگرام، مقادیر نزدیک به +1 نشان دهنده تطابق بهتر بین هیستوگرام ها است.

روش Bhattacharyya

که فرمول آن به شرح زیر است:



فاصله Bhattacharyya عدم تشابه بین دو توزیع احتمال را اندازه گیری می کند. هیستوگرام ها را می توان به عنوان توزیع های احتمال گسسته (به ویژه پس از نرمال سازی) مشاهده کرد. عبارت اصلی Σᵢ √(H1(I) ⋅ H2(I)) میزان "همپوشانی" بین دو هیستوگرام را اندازه گیری می کند. اگر هر دو هیستوگرام مقادیر بالایی در bin های یکسان داشته باشند، جذر حاصل ضرب آنها بزرگ خواهد بود و به میزان قابل توجهی کمک می کند. اگر هر یک از هیستوگرام ها در یک bin مقدار صفر داشته باشند، آن bin هیچ کمکی به مجموع نمی کند. ضریب Bhattacharyya (BC) از 0 تا 1 متغیر است. BC = 1: هیستوگرام های (نرمال شده) یکسان هستند. BC = 0: هیستوگرام ها همپوشانی ندارند (در مجموعه های کاملاً متفاوتی از bin ها مقادیر غیر صفر دارند). فاصله Bhattacharyya d(H1, H2) از 0 تا 1 متغیر است. 0: یک تطابق کامل را نشان می دهد (از قبل از میلاد = 1). 1: حداکثر عدم تشابه / عدم همپوشانی را نشان می دهد (از قبل از میلاد = 0). مقادیر نزدیک به 0 نشان دهنده تطابق بهتر (شباهت یا همپوشانی بیشتر) بین هیستوگرام ها است.

به طور کلی:

همبستگی: رابطه خطی انحراف از میانگین را اندازه گیری می کند. نتیجه نزدیک به +1 به معنای تطابق خوب است. محدوده [-1، +1].

فاصله Bhattacharyya: همپوشانی بین هیستوگرام های (نرمال شده) را اندازه گیری می کند. نتیجه نزدیک به 0 به معنای تطابق خوب است. محدوده [0، 1].